



په اروپا کی د میشته
افغانانو د ټولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

Date: 16 March 2013

قیام مردمی ۲۴ حوت هرات از دیدبازماندگان شهدا

قیام پرشکوه 24 حوت 1357 هرات علیه رژیم تحت الحمايه شوروی ومظالم حزب دموکراتیک خلق افغانستان وتروردولتی وحشتناک تظاهرکنندگان توسط رژیم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق، حادثه فراموش نشدنی در تاریخ افغانستان است. قیام که بتاريخ 22 حوت از ولسوالی هاشروع شد الی 24 حوت تدریجاً تمام شهر را فراگرفت. انگیزه ان قیام اعتراض مردم به موجودیت یک رژیم جباروتحت الحمايه روسها بود. قرار اظهارات شهود عینی، این قیام کاملاً خودجوش، فاقد رهبری واقعی وفاقد هرگونه پشتیبانی خارجی بود. کشتاربربرمنشانه تظاهرکنندگان به فرمان منشی کمیته ولایتی حزب و شخص والی هرات توسط افسران حزبی اردو، پولیس واعضای ملکی حزب دموکراتیک خلق باعث تشدید خشم پرغرورمردم میشد. یک شاهد عینی چشم دید خود ازروز 24 حوت را چنین گزارش میدهد: ((خونهای که توسط حکومتی ها ریختانده شدخشم مردم را برانگیخت. چنان حالت را من هرگز ندیده بودم. مردم هرات بدون ترس از رگبارتوپ وتفنگ دشمن پیش مرفتند وبا دست خالی تانکهای دشمن را تسخیر میکردند. بتاريخ 26 حوت افسران غیرحزبی فرقه 17 نیز به جبهه مردم پیوستند وقیام کنندگان را در اشغال فرقه کمک نمودند. به شهادت محمصدقیر فرهنگ این افسران عبارت بودند از علاالدین خان، سردارخان، جگرن عبدالعزیز، جگتورن نوراحمد، دگرمن محمد انور نصرتی، جگتورن علاوالدین، جگرن شایسته، تورن نجیب الله، جگرن سید اسدالله، جگرن شمشیر خان، ظابط خلیل احمد، جگرن غلام رسول بلوچ، ظابط سلطان احمد، شیرین گل، بصیر خان وتورن اسماعیل (فعلاً وزیرآب وبرق) ". بنابراین نقش افسران اردودرین قیام 4 روز بعد از شروع قیام مطرح شد.

پیوستن افسران فرقه 17 به قیام زنگ خطر بزرگ بود برای روسها وحکومت تحت الحمايه شان بود. طبق نوشته آقای فرزانه (رجوع شود به تاریخ ثقافت جهاد) درین موقع رسول سرده مسوول امورسیاسی وهمه کاره فرقه فرار نموده وخود را به شیندندرسانیده بود. سیدمکرم قوماندان حزبی فرقه 17 باچند مشاور روسی قرارگاه را ترک نموده به قصروالی پنهان شدند و از آنجا همه به شمول والی هرات وجنرال واسیلویچ مشاورروسی اش از طریق میدان هوایی هرات به میدان هوایی نظامی شیندند فرار کردند. قرار اظهارات شهود از نظیف الله نهضت وعبدالحی یتیم (اعضای گروپ حفیظ الله امین) بحیث والی ومنشی کمیته ولایتی آنزمان هرات نام برده شده است.

دو روز بعد قوای دولت تحت الحمايه با بیرقهای سبزولباس ملکی درشاهراه قندهار-هرات ظاهر شدند. قیام کنندگان به این تصوراتداند که همانند فرقه 17، قوای مستقردرولایات همجواری نیز به کمک مردم هرات آمده اند. غافل از اینکه حزب "دموکراتیک خلق" افغانستان به

هدف قتل عام دهاقین و شهریان هرات قوای تازه نفس فرستاده وبا این حیلۀ میخواهد مدافعین هرات را بفریبد وبه شهر راه یابد. جنبش خودجوش مردمی که فاقد رهبری آگاه وهمگانی بود، فریب این حیلۀ را خورد. گروه اوپراتیفی زون شمالغرب ازشیندند وقطعۀ کوماندو جزء این قوا بودند. در نوشته های ذیربط از افراد ذیل بحیث قوماندانان این قوای تهاجمی نام برده شده است: شهنوازتنی و انخیرگل. قوای دولتی به مجرد اشغال مواضع استراتژیکی درشهر، مراکزجمع مدافعین هرات، از جمله فرقه 17 را زیرآتش گرفتند. قوای هوایی حکومتی وروسها از میدان هوایی شیندند قوای دولت تحت الحمایۀ را درکشتار مجدد قیام کنندگان هرات هفته ها همرائی نمودند. بسیاری از اجساد را دولتیها در گورهای دسته جمعی بین تخت سفر و باغ ملت مدفون شده اند. مردم هرات این منطقه را مکان شهدای گمنام نامیدند. پروژه عدالت افغانستان درگزارش تحقیقی "تیره گیهای سرنوشت ساز" درمورد اقدامات بعدی حکومت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق چنین مینویسد: ((زمانی که دولت کنترل شهر را دوباره گرفت، دستگیری های گسترده را انجام داد. بسیاری از دستگیر شدگان مفقود شدند و احتمالاً بدون محکمه به قتل رسیده اند. طبق ارماکورا، خبرنگار ویژه ملل متحد: اصل معلوماتی که به خبرنگار ویژه داده شده بیان می دارد که در حدود 1000 نفر، اگر بیشتر نباشد، در جریان این دوره تا آپریل 1979 بعد از قیام شهر هرات دستگیر شده اند. در برخی موارد دستگیری های زندانی های سیاسی با توقیف همسرانشان و فرزندانشان همراه بود. دامنه اشخاص دستگیر شده گسترش یافته ازاعضای گروه های بنیاد گرای مذهبی تا اعضای گروه های چپ و همچنین اعضای دولتی، متعلمین، تجار، دیپلمات ها، افراد علمی، و اعضای بلند رتبه گروهی را در برداشت.))

این قیام سرکوب شده، مادر ده ها جبهۀ نظامی ضد روسی درقریه جات مختلف ولایت هرات شد.

مردم سلحشور هرات با براه انداختن این قیام به روسها وحکومت دست نشاندۀ شان اعلام نمودند که:

- دولت تحت الحمایه فاقد پشتیبانی مردمی در افغانستان بود.
- اختناق تحمل نا پذیر، دستگیری روحانیون وسایرافرادنامدارمحلّی بدون هیچ اتهامی کاسۀ صبر مردم را لبریزساخته بود.
- رژیم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق وفرامین عجولانه آن که بشکل مستبدانه وبزوربرچه تطبیق میگردد، برای مردم افغانستان قابل قبول نبودند.
- مردم حاضر بودند در برابراین رژیم وروسها با فدا کردن جانهای شان مجادله ومقاومت کنند.

روسها بعوض درس گرفتن ازین قیام وقطع حمایت از حکومت دست نشاندۀ اش، به تعویض مهره وتجاوزنظامی مستقیم به افغانستان دست زدند. بدین ترتیب سلسلۀ کشتار دسته جمعی مردم افغانستان که ازکراله، درۀ صوف و قیام بزرگ هرات آغازیافته بود، حتی با سقوط رژیم دست نشاندۀ درسال 1371 ختم نشد وشعلۀ های آتش آن هنوزهم خانه وکاشانۀ روستائیان ما را ویران میکند.



تظاهرات بازماندگان شهدای قتل عام 24 الی 31 حوت هرات، 14 مارچ 2013

صرف نظر از عدم مشروعیت حکومت کودتائی آن زمان، عملکرد دولت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق در هرات نقض آشکار کنوانسیونهای بشردوستانه ژنیو بوده و بدلائل ذیل جنایت جنگی تلقی میگردد:

- اصولاً قیام هرات تظاهرات سراسری مردم هرات علیه رژیم بود. دستگاه دولتی تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق بعوض برخورد عاملانه و دموکراتیک با تظاهرکنندگان ملکی که اکثریت مطلق شان را دهاقین تشکیل میداد، کوشید تظاهرکنندگان را با رگبارگلوله پراکنده سازد. این حرکت که بذات خود غصب آزادی بیان و اعتراضات بوده و جنایت علیه افراد ملکی است، باعث تحریک خشم مردم شد.
- ادامه اعتراض توسط مردم خشمگین که عمدتاً با چوب و سنگ مجهز بودند، با فیرمرمی های تانک های تی 62 ، هلیکوپتر های جنگی ام آی 24 ، جت های جنگنده میگ 21 ، میگ 23 و اس یو 22 بسوی جمعیت مردم جواب گفته شد. عدم تناسب بین وسایل استفاده شده از طرف دولت (توپ، تانک و طیاره) و سنگ و چوب که مردم بدست داشتند، حاکی از زیاده روی افراطی حکومت در استعمال خشونت علیه مردم ملکی میباشد. ولو چنین بیندازیم که حکومت در آنزمان در حال جنگ قرار داشت، بازهم شیوه سرکوب مردم توسط دولت حالت قتل عام مردم ملکی را داشته و جنایت جنگی میباشد.
- دستگیری وسیع افراد یکه فکر میشد در تظاهرات اشتراک کرده اند، دستگیری اعضای خانواده آنها، شکنجه و قتل بدون محاکمه آنها همه شامل تعریف جنایات جنگ میشوند. افرادی که مظنون به دادن دستورها اشتراک در تطبیق این اعمال اند، باید مورد بازپرس و محاکمه قرار بگیرند.

سوال اینجاست که چرا برای التیام زخمهای بازماندگان قیام کنندگان به محاکمه آنانیکه مسؤولیت جنایات ضدبشری هرات را بدوش دارند، پرداخته نمیشود؟ چرا همین اکنون که شهود عینی بیشماری بر علیه افراد مظنون به این جنایات ضدبشری موجود است، اقدامی برای محاکمه آنها، حتی در سطح یک تریبونال مردمی در داخل یا خارج کشور صورت نمیگیرد؟ چرا مسوولین

این کشتارها اجازه دارند با دستهای تا شانه آغشته به خون بیگناهان، در کشورهای غربی موقف پناهنده داشته با معافیت کامل از مجازات زندگی کنند؟
درین رابطه نکات ذل درخور توجه جدی اند:

- مسئولیت اساسی فرهنگ معافیت برای همه جانیان، که جانیان جنگی هم شامل آن میباشند، بدوش دولت کنونی افغانستان است. پارلمان نامنهاد این دولت قانون عفو جانیان جنگی را تصویب کرد. دیپلماتها ووزرای این دولت درسفرهای خود به اروپا کار دیگری جزالتماس نزد دولت اروپائی برای اعطای اجازه نامه اقامت برای سران رژیمهای که مسوول جنایات سه دهه اخیر اند، ندارند. این دولتمردان نمیخواهند لحظه هم به جوهای خون که در هرات وسایر مناطق افغانستان توسط رژیمهای سه ونیم دهه اخیر ریختانده شده است، فکر کنند.
- یک بخش از این نوع دولتمردان آنانی اند که طی یک دهه اخیر در قدرت شریک بوده از "قانون" عفو پشتیبانی کرده اند ولی در عین حال بخاطر اشتراک شان در قیام علیه روسها، مصروف امتیازخواهی از حکومت و پشتیبانان بین المللی آن میباشند. این دکانداران خون شهدا را هم متاع قابل معامله میدانند و میخواهند خود را وارث مجاهدین واقعی قلمداد نموده به چوکیهای سود آوردلتی دست یابند. اسماعیلخان وشاروال فعلی هرات (تره کی) در رأس این امتیازطلبان قرار دارند. عملکرد این ها خیانت به خون شهدا بوده و مانع بزرگ در برابر تطبیق عدالت بر جنایات گذشته میباشند.
- ما بازماندگان قربانیان نیز بخاطر جدی دنبال نکردن خواست ما برای محاکمه جنایات جنگی سه ونیم دهه اخیر، به سهم خویش در مسئولیت تداوم و بقای فضای معافیت برای جانیان جنگ شریک هستیم. شهدای هرات توانستند دیروز با عزم راسخ در حالیکه دستهای شان خالی بوده و فاقد رهبری سراسری و آگاه بودند، با قیام خود کابل و مسکو را تکان بدهند و پیام خود را ثبت تاریخ افغانستان و جهان بسازند. اگرما بازماندگان آن شهدا ذره از عزم راسخ شهدای ما را داشته باشیم، قادر خواهیم شد نام شهدای خود را ثبت تاریخ کشور سازیم. نخستین قدم درین راه مستندسازی شهادت هر فرد و برقراری همکاری متداوم میان بازماندگان شهدا میباشد.

(کمیته حقوق بشر فارو)